

ادامه از صفحه اول

«فلوید» آمریکایی، «بوعزیزی» تونسسی نیست

در آمریکا، معترضان برنامه‌ای برای سرنگونی دولت ندارند، اما اهالی خاورمیانه از همان ابتدا، سودای سرنگونی در سر دارند و این همان تفاوت اصلی است. آمریکایی‌ها به دنبال نقض حقوق بشر به خیابان آمدند و هدف آنان اصلاح ساختار اجتماعی است؛ حال آنکه تونسسی‌ها پس از خودسوزی «محمد بوعزیزی» خواهان تغییرات سیاسی در کام اول و بهبود شرایط اقتصادی در کام دوم بودند.آنچه اکنون در آمریکا زبانه کشیده است، اعتراض به نژادپرستی است؛ حرکتی خودجوش که پیش از این نیز اتفاق افتاده و خاموش شده است. پیش از این نیز این کشور شاهد جنبش اشغال والالاستريت بود که ماهیت چندان متفاوتی با آنچه اکنون شاهد آن هستیم، نداشت و از سوی پلیس نیویورک و گارد ملی سرکوب شد.ایالات متحده از اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی درگیر شکاف سیاسی و اجتماعی است؛ شکاف بین دموکرات‌ها و عقاید دموکراتیک آنان با آمریکایی‌های راست‌گرا و به‌ویژه نومحافظه‌کاران جمهوری‌خواه. تضاد عمیق این دو جبهه در موضوعاتی مانند مذهب و سیاست داخلی و خارجی، باعث شکل‌گیری گروه‌هایی شد که تا پیش از این آمریکا شاهد آن نبود. این تضاد که در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تشدید نیز شده، عامل اصلی اعتراض‌هایی است که به‌طور مسالمت‌آمیز آغاز شد و با شدت بیشتری به شهرهای دیگر آمریکا سرایت کرد. آمریکایی‌های ناراضی از سیاست‌های داخلی، پس از شیوع کرونا خواهان حمایت‌های دولتی بیشتری هستند و این هیچ تشابهی با اعتراض‌ها در کشورهای عربی و آفریقایی ندارد. آنچه سال گذشته شاهد آن بودیم، حاصل بلوغ دموکراتیک در میان شهروندانی بود که برای مطالبه دموکراسی به خیابان‌ها آمده بودند؛ درحالی‌که در آمریکا اوضاع کاملا متفاوت است؛ شهروندان دولتی دموکراتیک به خیابان آمدند، چراکه بر این باورند که کشورشان از اصول دموکراسی منحرف شده است.در چنین شرایطی، اعتراض‌ها در آمریکا تنها می‌تواند بر نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ماه نوامبر اثر بگذارد و با قطعیت نمی‌توان گفت این شورش‌ها، یک دموکرات را وارد کاخ سفید می‌کند و نتیجه به ضرر ترامپ تمام خواهد شد.

این قبیل شورش‌ها، هرچند هواداران معدودی در آمریکا دارد، اما شهروندان محافظه‌کار را بیشتر در لاک دفاعی فرومی‌برد. از همین‌رو، چگونگی واکنش دموکرات‌ها و نخیکنان آمریکایی به‌شدت در مناسبات سیاسی آینده آمریکا تاثیرگذار است. در چنین شرایطی، شاید رئیس‌جمهوری آمریکا از این شورش‌ها استقبال به کم بکند؛ چراکه تنها یک اشتباه از رقیب می‌تواند او را در کاخ سفید ماندگار کند و به همین دلیل او مانند تمام چالش‌های پیشین خود، به‌جای آرام‌کردن اوضاع، در حال دمیدن بر آتش کونی است. ترامپ که خواهان پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری است، می‌داند که ناامیدی و افسردگی ناشی از بحران کرونا، باعث تشدید اعتراض‌ها و افزایش خشونت‌ها شده و باور دارد برای مهار ناآرامی‌ها، جبهه جادویی در دست دارد؛ اندکی عقب‌نشینی و البته اعطای امتیازات بیشتر.

کسب امتیاز بیشتر و بهبود شرایط سیاسی و اقتصادی، همان رؤیایی است که شهروندان معترض خاورمیانه سودای آن را در سر دارند؛ بالاین‌حال، برخلاف کشورهای دموکراتیک، خیزش‌های عربی عموماً قبل از شکل‌گیری متلاشی می‌شوند. بسیاری از معترضان در این کشورها پس از دهه‌ها سرکوب رژیم‌های توتالیتر و با نگاه به سرنوشت کشورهای مانند لیبی، به این باور می‌رسند که واقعیت‌ها و شرایط ناعادلانه را بپذیرند؛ چراکه هم افرادی که در این جنبش‌ها حضور داشتند و هم آثانی که نظاره‌گر بودند، هر دو از قیام مردمی پشیمان شده و حتی سرزنش نیز شده‌اند.

با تمامی این تفاوت‌ها، اعتراض‌ها علیه نژادپرستی در آمریکا، فارغ از نتیجه آن، می‌تواند معترضان کشورهای دیگر را که اکنون از پشت مانیتورها و صفحه‌های تلویزیونی وقایع را با دقت رصد می‌کنند، متصمم تر روانه خیابان‌ها کند. به باور بسیاری، اعتراض‌ها و تظاهرات حتی با ماهیت خاستگاه متفاوت، دموینوار بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند؛ مانند اتفاقی که در سال ۲۰۱۱ و سال گذشته میلادی افتاد. شاید تقویت چنین سناریویی باعث شده رؤسای کشورهایی که تا پیش از این هر نوع اعتراضی را در نقطه خفه می‌کردند، در خفا نگران موقعیت معترضان آمریکایی و امتیازاتی باشند که ترامپ برای تضمین پیروزی‌اش در انتخابات به آنان تقدیم می‌کند و در ظاهر ترامپ را «نژادپرست» و «فاشیست» بخوانند. رجب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، در سخنانی گفت: «وقایع در مینیاپولیس مظهر دردناک ناعدالتی‌ای است که در برابر جهان استفاده است؛ همان فقدان عدالتی که «زین‌العابدین بن‌علی» در تونس، «حسنی مبارک» در مصر، «معمر قذافی» در لیبی، «حمر البشیر» در سودان و «عبدالعزیز بوتفلیقه»، را در الجزایر سرنگون کرد یا منجر به استعفاى «عادل عبدالمهدی» در عراق و «سعد الحریری» در لبنان شد.

اعتراض‌ها و خشونت‌ها در ایالات متحده در واکنش به مرگ جورج فلوید از یک هفته فراتر رفته و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری این کشور، انتقادهای خود را علیه فرمانداران و شهرداران و «انفعال در برخورد قاطع با گروه‌های افراطی چپ‌گرا و آتارشیست‌ها» شدت بخشیده است. در روزهای اخیر شهرداران چند شهر مهم صحنه درگیری، از جمله نیویورک و مینیاپولیس به انتقاد از رویکرد ترامپ پرداخته و در برابر اصرار رئیس‌جمهوری آمریکا برای استفاده از نیروی نظامی برای سرکوب معترضان مقاومت می‌کردند. در داخل دولت ترامپ و میان مقام‌های نظامی ارشد نیز اعتراض‌هایی علیه ترامپ صورت گرفته است. مارک اسپر، وزیر دفاع فعلی آمریکا، در حالی در اظهاراتی متناقض با سخنان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری این کشور، تاکید کرده که با اعزام نیروهای ارتش به شهرهای بزرگ برای سرکوب معترضان مخالف است و جیمز متیس، وزیر دفاع سابق ایالات متحده نیز در بیانیه تندی علیه ترامپ موضع‌گیری کرده و این‌گونه از رئیس‌جمهور فعلی آمریکا انتقاد کرده است که: «ترامپ، نخستین رئیس‌جمهور در طول زندگی من است که هیچ تلاشی برای متحدکردن مردم آمریکا نمی‌کند و حتی سعی دارد بین ما شکاف ایجاد کند».ورود شهردار واشنگتن به میدان تقابل با ترامپ، تنش شهرداران با رئیس‌جمهوری ایالات متحده را وارد مرحله تازه‌ای کرد. در روزهای گذشته و با افزایش اعتراض‌ها در واشنگتن و اطراف کاخ سفید، «ماریل باورز»، شهردار واشنگتن، اعلام کرده بود که مقرر است تردد شبانه در پایتخت آمریکا به اجرا گذاشته می‌شود. اما با تادوم اعتراض‌ها

در واشنگتن، یکی از مقام‌های رسمی دولت ترامپ از شهرداری واشنگتن خواست تا با ایجاد محدودیت در برخی مسیرها، زمینه اعزام نیروها و تجهیزات نظامی را فراهم کند. این درخواست با مخالفت باورز روبه‌رو شد و تنش میان کاخ سفید و شهرداری پایتخت آمریکا را تشدید کرد. بر اساس ایمیلی که به تازگی از سوی واشنگتن‌پست منتشر شده، هدف مقام‌های کاخ سفید برای اعزام نیروها و تجهیزات نظامی «سرکوب معترضان در اطراف کاخ سفید» بود که «همچنان و با وجود بر خوردهای خشن پلیس، متفرق نشده بودند».به گفته دستیاران ارشد باورز، هدف ترامپ از استفاده از نیروی نظامی برای سرکوب معترضان این است که «شهرداران و فرمانداران را در رسانه‌ها ضعیف و منفعل نشان دهد و با اعمال قدرت و زور، در آستانه انتخابات خود را رئیس‌جمهوری حامی نظم و قانون معرفی کند. سال گذشته کاخ سفید از ما خواست تا محدودیت‌هایی در اطراف کاخ سفید ایجاد کنیم تا نمایش تانک‌ها در سالگرد استقلال آمریکا برگزار شود. اما این‌بار زیر بار این خواسته نمی‌رویم، چراکه ترامپ قصد دارد به بهانه مقابله با معترضان، محدودیت‌ها و محدودشدن تعدادی از خیابان‌های اطراف کاخ سفید را دائمی کند». از طرف دیگر یکی از مقام‌های وزارت دفاع آمریکا در پاسخ به سوالات واشنگتن‌پست درباره تجهیزات نظامی خواسته‌شده از سوی کاخ سفید، به این جمله اکتفا کرد که «این تجهیزات پیش از این هم در واشنگتن مورد استفاده قرار گرفته بود و اغلب آنها هم کامیون‌ها حمل پرسنل نظامی هستند». این تحولات نشان‌دهنده تنش‌های فزاینده و عمیق و نبود اعتماد دوطرفه میان

ترامپ و شهرداران آمریکایی است و آتش این درگیری می‌تواند گریبان‌گیر شهروندان آمریکایی شود.

هشدار نسبت به رویارویی ارتش ومردم

اما این روزها و با اصرار ترامپ برای «نمایش قدرت در برابر مخالفان نژادپرستی» بحث بر سر استفاده از ارتش برای سرکوب معترضان به‌موضوع مهمی در رسانه‌ها و میان کارشناسان نظامی تبدیل شده است. «جان آلن»، یکی از نظامیان ارشد آمریکا و ژنرال بازنشسته نیروی دریایی که در جنگ افغانستان حضور داشت، معتقد است که رویارویی نیروی نظامی آمریکا و شهروندان این کشور می‌تواند بدعتی خطرناک باشد. آلن به فارن‌پالسی می‌گوید: «هر عضو ارتش ایالات متحده سوگند یاد کرده که حامی و مدافع قانون اساسی ایالات متحده در برابر دشمنان داخلی و خارجی باشد. استفاده از ارتش در برابر مردم پیام نادرستی ارسال می‌کند و این در تضاد با هرگونه ارزشی است که آمریکا خود را مدافع آن معرفی کرده. تاریخ نشان داده که دوره‌هایی وجود دارند که تهدیدات داخلی یا ناآرامی‌ها به جایی می‌رسند که برای آرام‌کردن وضعیت نیاز به حضور نیروهای فدرال احساس می‌شود. اما مشخص است که اکنون وقت چنین کاری نیست. او این‌گونه ادامه می‌دهد که اگر ارتش بخواهد مسئولیت تأمین نظم و اجرای قانون را در آمریکا برعهده بگیرد، دور نیست آن روزی که به مردم آمریکا خلاف خواسته خودشان پرچسب دشمن زده شود». اصرار به استفاده از ارتش در چنین زمانی به‌هیچ‌عنوان پذیرفتنی نیست، ما دچار درد و غم ملی ناشی از قتل جورج فلوید هستیم و از طرف دیگر با تنش‌ها و چالش‌های ناشی از شیوع

تکرار تیان‌آن‌من در آمریکا

تیان‌آن‌من نه‌تنها یک لحظه تاریخی؛ بلکه یک درس بوده است؛ هرچند برای سیاست‌مداران وقایع تیان‌آن‌من بیشتر بیهوده اثری است که آن را از پشت شیشه غبارگرفته می‌بینند؛ نه درسی درباره خون، قدرت و فداکاری برای نسل بعد. وقتی فرمانداران تیان‌آن‌من عکس‌های خود از آن روز را آوردند و از اتفاقی گفتند که آن روز در آن میدان رخ داد، بسیاری این اعتقاد را داشتند که این برگی تاریخی در سوابقه دولت چین کمونیست است و امکان ندارد جای دیگری رخ دهد. زندگی و مرگ آنهایی که آن روز در میدان تیان‌آن‌من بودند، همه میراث وقایع آن هزاران معترض چینی در آن کشته شدند و تانک‌ها قبل از طلوع خورشید پنجم ژوئن معترضان را از این میدان پاک‌سازی کردند. وقتی ۲۰ساله شدم، خاطرات ژائو ژیانگ، رهبر حزب کمونیست را خواندم و از جزئیات اعتراض دانشجویان و کارگران در میدان تیان‌آن‌من سر آوردم؛ اینکه سربازان ارتش آزادی‌بخش خلق چطور توانستند معترضان را از این میدان بیرون کنند و مقامات چگونه از «شورش ضدانقلابی» ترسیده و تانک و سربازان مجهز به مهمات واقعی را به آنجا اعزام کرده بودند. چهارم ژوئن ۱۹۸۹، ۳۱ سال پیش لحظه‌ای مهم در تاریخ چین است. میراث واقعی حوادث میدان تیان‌آن‌من که شکوه کاخ‌ها و خون و امید دانشجویان معترض را هم‌زمان در دل خود دارد، نوری خواهد بود که مردم چین ازجمله خود من هر وقت به تاریخ چین نگاه می‌کنیم، نشانی از آن خواهیم یافت.مؤسسات تحقیقاتی و کتاب‌فروشی‌های هنگ‌کنگ اکنون تهدید شده‌اند که در صورت نافرمانی از قوانین پکن در معرض محدودیت قرار می‌گیرند. معترضان هنگ‌کنگی زیر کلاه و چترهای خود، وحشت خود از چنین آینده‌ای را نشان می‌دهند. آنها استخوان‌های کشته‌شدگان تیان‌آن‌من را به یاد دارند و از آنها آموخته‌اند. درباره این روزهای ایالات متحده هیچ ارتباطی نمی‌توان میان سوگواری برای جورج فلوید و وقایع تیان‌آن‌من یافت؛ هرچند نمی‌توان نادیده گرفت که خشم امروز مردم آمریکا نتیجه دهه‌ها ظلم مأموران قانون دولت این کشور است.

سال ۱۹۹۰ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا، به مجله پلی‌بوی گفته بود: «وقتی دانشجویان (چینی) به میدان تیان‌آن‌من ریختند، دولت چین تقریباً این میدان را منفرج کرد. بله، آنها بسیار شرور بودند و کاری که کردند بسیار وحشتناک بود؛ اما آنها نتوانستند با قدرت آن اتفاق را سرکوب کنند». هرچند چنین و جامعه آمریکا دیده نمی‌شود. این واقعه برای چین و

تاریخش مهم است و معنی می‌دهد؛ برای وقایع پس از ضرب‌وشتم رودنی کینگ، ترانندازی به مایکل براون و قتل وحشتناک جورج فلوید. سیاست‌مدارانی مانند سناتور تام کاتن وقتی می‌خواهند از حضور نیروهای ارتش در خیابان‌های واشنگتن و دیگر شهرها دفاع کنند، درس‌هایی را که آمریکا می‌توانست از واقعه تیان‌آن‌من بگیرد، فراموش می‌کنند. تیان‌آن‌من در تصور آمریکایی‌ها موضوعی خارق‌العاده و دور است که اتفاقا از روی عمد این چنین دور از تصور نگه داشته شده است. این واقعه برای آمریکایی‌ها این‌طور تعریف شده که امکان ندارد در خانه و وطن آنها رخ دهد. بله، احتمالاً برای آنهایی که به یاد نمی‌آورند، قتل‌عام چهارم می در دانشگاه کنت ایالت اوهایو، کشتار بیش از ۳۰۰ سیاه‌پوست در ۳۱ می ۱۹۲۰ در تולسای اوکلاهاما، کشتار سیاه‌پوستان در لوئیزیانا و قتل‌عام سیاه‌پوستان در فلوریدا فقط می‌توانسته در



دونالد ترامپ برای مهار ناآرامی‌ها دست به دامن ارتش شد

سرکوب نظامی معترضان

ویروس کرونا دست‌به‌گریبانیم. استفاده از ارتش در برابر شهروندان آمریکایی، بدترین پیام را در بدترین زمان ارسال می‌کند. در زمان بحران باید بهتر و عاقلانه‌تر عمل کنیم». «لوری ساتن»، سرتیپ سابق و ارشدترین روان‌پزشک شاغل در ارتش آمریکا که این روزها برای سمت شهرداری نیویورک رقابت می‌کند هم معتقد است: استفاده از نیروی نظامی در محدوده اختیارات فرمانداران است. ساتن می‌گوید «در هر سمت و جایگاهی باید به رشد اعتماد عمومی کمک کرد و مطیع قانون بود. افرادی که مسئولیت هدایت آمریکا به دستشان سپرده می‌شود، باید با مفاهیم اخلاقی آشنا باشند تا با استفاده نابجا از نظامیان، بحران‌ساز نشوند. استفاده از زور حتی اگر زمانی ضروری، منطقی و مناسب تشخیص داده شود، باید با احتیاط کامل همراه باشد، چراکه وقتی در هر سطح – محلی، ایالتی یا فدرال – اقدام به اعمال زور شود، باید نگران آن بود که بافت جامعه مدنی در حال ازهم‌گسیختن است. اینجا سوآلی که باید پرسید این است که آیا اساساً باید از نیروهای فدرال برای فرونشاندن ناآرامی داخلی استفاده کرد؟ به نظر می‌رسد درحال‌حاضر حقایق تلخی که وجود دارد و نسبت به آن اعتراض شده، نیازمند توجه بیشتری است و اگر قرار بر اعمال زور باشد، باید برای ازبین‌بردن این حقایق تلخ استفاده شود. اگر هم زمانی نیاز به استفاده از نیروی نظامی و اعمال زور باشد، فرمانداران ایالت‌ها چنین کاری را باید انجام دهند، چراکه جزء اختیارات قانونی آنهاست. اما زمانی هم که لزومی برای مداخله و ورود نیروهای نظامی نباشد، نیروهای فدرال باید در محل خود، در کمپ‌های خود و در یادگان‌ها بمانند».

یک حکومت دیکتاتوری رخ دهد.این روزها بسیاری از سراسر آمریکا سربازانی را که در واشنگتن مستقر شده‌اند، تحسین می‌کنند؛ همان سربازانی که به دلیل ناراضیاتی کاخ سفید از واکنش پلیس به معترضان و به درخواست وزارت دفاع پایشان به خیابان‌ها باز شده است. مأموران آمریکایی صراحتاً به این اقدام رئیس‌جمهوری این کشور واکنش نشان داده‌اند و احتمالاً روح ژنرال ژو کینژیان را زنده کرده‌اند؛ وقتی که از حمله به معترضان میدان تیان‌آن‌من خودداری کرد و گفت: «ترجیح می‌دهم سرم را از دست بدهم تا اینکه در چشمان تاریخ یک جنایت‌کار باشم». کینژیان چهار سال در زندان ماند؛ درحالی‌که در چشمان حزب کمونیست یک جنایت‌کار بود. اعتراضات با خیزش مردم عادی آغاز می‌شود و در نهایت هم همان مردم عادی هستند که خرد می‌شوند. امروز هم انکار وقت آن رسیده تا این را به خاطر بسپاریم.

خبر

تلاش ترامپ برای حل اختلافات میان عربستان وقطر

● دولت واشگتن در تلاشی تازه برای حل اختلافات سه‌ساله میان قطر و همسایگان حوزه خلیج فارس آن، عربستان سعودی و امارات را تحت فشار گذاشته تا ممنوعیت‌های خود برای شرکت‌های هواپیمایی قطری که بر فراز آسمان این دو کشور پرواز می‌کنند را متوقف کنند. به گزارش ایسنا، به نقل از بلومبرگ، مقامات آمریکا و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس افشا کردند که دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، عربستان سعودی و امارات را تحت فشار گذاشته تا ممنوعیت‌های اعمال‌شده روی پروازهای خطوط هواپیمایی قطر در حریم هوایی این دو کشور را متوقف کنند. تلاش‌های مکرر برای پایان‌دادن به این اختلاف که روز جمعه وارد سال چهارم می‌شود، شکست خورده‌اند و این تلاش اخیر نیز با مقاومت شدید عربستان مواجه شده است.

در این راستا، صباح خالد الحمد الصباح، نخست‌وزیر کویت، نسبت به ورود بحران کشورهای حاشیه خلیج فارس به سال چهارم خود ابراز تأسف کرد و درعین‌حال تاکید کرد کویت به تلاش‌ها برای موفقیت بیسن طرف‌های بحران ادامه می‌دهد. او گفت: کویت همواره جمع‌کننده طرف‌های مختلف بر اساس حاصل‌شدن رضایت از هرگونه توافق در آینده است. نخست‌وزیر کویت به رسانه‌های کشورش تاکید کرد صباح الحمد الجابر الصباح، امیر کویت، به این نکته توجه دارد. این کشورها نیز به اهمیت شورای همکاری برای منطقه و جهان و زمینه‌ای مشترک که باید بر این اساس جهت پرکردن خلا وجود داشته باشد، واقفند.

بحران کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس پنجم ژوئن سال ۲۰۱۷ میلادی آغاز شد که بدترین بحران از زمان تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ میلادی محسوب می‌شود، چراکه عربستان، امارات، بحرین و مصر روابط خود با قطر را قطع کردند. این چهار کشور ارتباطات دریایی، زمینی و هوایی خود با قطر را به‌عنوان اقدامی تنبیهی به‌خاطر اتهامات حمایت از تروریسم و مداخله در امور داخلی کشورهای این منطقه متوقف کردند؛ اتهاماتی که دوحه آنها را رد می‌کند.

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب درعراق

● نخست‌وزیر عراق از تشکیل تیم مستقل حقیقت‌یاب در مورد رخ داده‌های صورت‌گرفته در تظاهرات‌ها خبر داد و اعلام کرد که عراق مراحل دشواری را پشت‌سر گذاشته است و چالش‌ها در عناوین مختلف ادامه دارد. دفتر مصطفی الکافمی، نخست‌وزیر عراق، در بیانیه‌ای اعلام کرد که او با تعدادی از خانواده‌های قربانیان تظاهرات‌ها، به‌ویژه افراد ترور‌شده دیدار کرد و به گفته‌های آنها درخصوص رنج‌هایشان گوش فراداد و خانواده‌ها در این دیدار از او خواستند تا فرزندانشان را «شهادی وطن» به حساب آورد.

الکافمی تاکید کرد: عراق مراحل دشواری را پشت‌سر گذاشته است و چالش‌های مداومی در تمامی سطوح وجود دارد و ما متأسفانه در سطح امنیتی شاهد ترورها و ربودن افراد به دست طرف‌های مسلح بودیم، اما ما نیازمند صبر و تحقیقاتی دقیق و حرفه‌ای به منظور تحقق عدالت هستیم. او ادامه داد: روش کشتارها برخاسته از اندیشه و روش نظام دیکتاتوری سرنگون‌شده است و ما به‌هیچ‌وجه اجازه این امر را نخواهیم داد. الکافمی از تشکیل تیم مستقل حقیقت‌یاب بر اساس برنامه مصوب دولت درخصوص تمامی رخدها در عراق از اکتبر ۲۰۱۹ و خشونت‌های همراه با آن که به کشته و زخمی شدن تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی عراقی انجامید، خبر داد و گفت: این تحقیقات با تدوین فهرستی دقیق از شهدا و فهرست دیگری از مجروحان آغاز شده است تا مجروحان تحت حمایت دولت قرار بگیرند و به خانواده‌های قربانینا غرامت پرداخت شود.

شماره مجوز: ۱۳۹۹.۱۱۰۸ نوبت دوم					
آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای					
شرکت ملی گاز ایران		شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی			
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید					
شماره تقاضا و مناقصه	تقاضای شماره 95040409-ig شماره: ۹۸/۱۷۷				
شرح مختصر اقالم درخواستی	YOKOGAWA ساخت ESB FOR FCU &DCS FOR V NET				
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد				
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۷۳۴۲۰۲/۵۰۶۵۹ت مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد بصورت: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت وجه نقد، مبلغ نقدی می‌بایست به شماره حساب ۰۸۰۸۶۵۰۸۷۵۰۱ به نام شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی بانک ملی ایران که ۷۷۲۶۶ شعبه بندر نخل قتی واریز و فیش واریزی ارائه گردد.				
مبلغ برآوردی مناقصه	۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰				
تاریخ تحویل اسنادبه واجدین شرایط	۹۹/۰۶/۱۰	تاریخ گشایش پاکات فنی	۹۹/۰۸/۰۳		
آخرین مهلت‌اراده‌پیشنهادات	۹۹/۰۷/۱۶	تاریخ گشایش پاکات مالی	۹۹/۰۸/۲۴		
آدرس و تلفن مناقصه‌گزار	استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی، فاز ۲ و ۳، ساختمان ستاد، طبقه ۲ مدیریت بازرگانی اتاق شماره ۲۱۹، اداره خرید ابزار دقیق، جواد قنبری. ۰۷۷۳۳۱۳۱۲۲۳۳ و ۰۷۷۳۳۱ و ۲۲۳۱				

مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGV.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۳۳۱۳۱۲۲۳۳ (قنبری) تماس حاصل فرمایند

توجه: مناقصه گران محترم می‌بایست از طریق سایت WWW.TENDER.SPGC.IR (سامانه برگزاری الکترونیکی معاملات و بانک اطلاعات منابع شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی) نسبت به ثبت نام اقدام و سپس کلیه فرم‌های ارزیابی صلاحیت مختص این مناقصه را به دقت مطالعه، بررسی و تا قبل از اتمام مهلت مقرر تکمیل نمایند. بررسی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران به صورت غیرحضوری و صرفاً از طریق سامانه مذکور صورت خواهد پذیرفت.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی